

روشهای تحقق امنیت فرهنگی در منظومه فکری

امام خمینی(ره)

دکتر سیدصدرالدین موسوی*

سیدمحمدجواد قربی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۸/۲۰

چکیده

سؤال اصلی این پژوهش این است که امام خمینی (ره) از چه روشهایی برای تحقق امنیت فرهنگی بهره می‌گرفتند؟ یافته‌های این پژوهش حاکی است که اولاً امام خمینی (ره) به مقوله امنیت و ابعاد آن توجه ویژه‌ای کرده‌اند و از آنجا که برای فرهنگ اهمیت زیادی قائل بودند، تقویت فرهنگ و زدودن ناامنی‌ها از آن را طلب می‌کردند و با هشدارها و پیامهای خویش مردم را از تهدیدات فرهنگی آگاه می‌ساختند. ثانیاً روش امام خمینی(ره) برای مدیریت منازعات فرهنگی و حفاظت از حوزه فرهنگ، تدریجی و در بستر زمان بود که با مشارکت همگانی، آگاهی و ممارست مسئولان در برابر فرهنگهای مهاجم به دست می‌آید. ثالثاً روش امنیت‌سازی فرهنگی در سیره عملی و منظومه فکری امام خمینی(ره) شامل پنج مرحله می‌شود. به عبارتی دیگر، امام خمینی(ره) برای تحقق امنیت فرهنگی، مراحل شناخت و آگاهی از فرهنگ بومی، شناخت فرهنگ وارداتی منحرف، هشدار فرهنگی و آگاهی دهی به مردم در خصوص تهدیدات فرهنگی، شناخت تهدیدات فرهنگی و ارائه راهبردهایی برای مقاومت فرهنگی را مدنظر داشتند و طبق توالی آنها را اجرایی می‌کردند.

کلیدواژه‌ها: امنیت و فرهنگ در نظر امام خمینی(ره)، امنیت فرهنگی در ج.ا.ا، رویکردهای

فرهنگی و انیت در ج.ا.ا.

* - دانشیار پژوهشکده امام خمینی (ره) و عضو دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

** - کارشناس ارشد اندیشه سیاسی اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ghorbi68@yahoo.com

۱. مقدمه

امنیت یکی از لوازم اساسی زندگی بشری است. اجتماع انسانها همواره در تلاش برای تحصیل محیطی امن و فاقد تهدید بوده اند. به همین دلیل، امنیت پژوهی و مطالعات درباره شیوه‌های تحقق امنیت، یکی از دغدغه‌های محیط‌های علمی، سازمانهای امنیتی و سیاستمداران بوده است. منشأ تهدیدات و ناامنی در گذشته، سخت افزارها و به عبارتی دیگر، نظامیگری بود و به همین دلیل، امنیت نظامی و فیزیکی دولتها همواره مدنظر سیاستمداران بود. اما با گذشت زمان و تحولات امنیتی پس از جنگ سرد، منشأ تهدیدات صرفاً به امور نظامی مربوط نمی‌شد بلکه جنس تهدیدات نیز «نرم»^۱ و «چند بعدی» شد. تهدیدات اقتصادی، زیست محیطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمینه‌های ناامنی را فراهم کرد و در پی چنین تحولی در تهدیدات، امنیت ملی با ابعاد مختلفی روبه‌رو شد. امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی، امنیت اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت که در میان آنها، امنیت فرهنگی نیز در دو دهه اخیر به یکی از بایسته‌های جوامع انسانی تبدیل شده است؛ زیرا تحصیل آن، قوام نظام سیاسی را به همراه خواهد داشت.

از دیدگاهی دیگر به سبب نقش و جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت انسان و پیشرفت جوامع بشری دارد، هم‌چنین به علت نفوذ گسترده و مؤثر فرهنگ بر همه ابعاد زندگی بشر و تأثیری که بر سایر بخشها دارد، امنیت فرهنگی نیز از موقعیت و حساسیت زیادی برخوردار گشته است تا آنجا که در سالهای اخیر در سطح ملی و بین‌المللی، امنیت به امنیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی تقسیم می‌شود. بنابراین، «موضوع امنیت در حال حاضر با فرهنگ همراه شده و امنیت فرهنگی به عنوان یک وجه از امنیت در کنار دیگر وجوه آن، مورد توجه جدی قرار گرفته است» (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۳). چنین رویکردی در آرا و اندیشه‌های امام خمینی(ره) وجود دارد و ایشان بیشترین تأکید را بر بعد فرهنگی و اعتقادی امنیت دارند به گونه‌ای که از مجموع بیانات ایشان می‌توان دریافت «اگر بعد فرهنگی و اعتقادی جامعه، قوی و ایمن باشد، تهدیدات اثری نخواهد داشت و احساس ناامنی به وقوع نمی‌پیوندد» (درویشی، ۱۳۸۹: ۷۶)؛ به عبارتی در ارزیابی کمی و کیفی مؤلفه‌های امنیت ملی و تهدیدهای پیش روی آن از دیدگاه امام خمینی(ره)، تعلق

ایشان به رویکرد نرم افزاری (بعد فرهنگی و اجتماعی به مثابه نقطه کانونی موضوع امنیت ملی) مشخص می‌شود؛ زیرا خاستگاه انقلاب اسلامی نیز فرهنگی-دینی و آرمانها و اهداف آن نیز دینی است. در نتیجه، مهمترین تهدیدها و جدی‌ترین آسیبهایی که از دیدگاه امام (ره) انقلاب، کشور، نظام سیاسی و مردم با آنها روبه‌رو هستند، تهدیدهای فرهنگی-اجتماعی است. در نقطه مقابل، «اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین مؤلفه‌های تأمین امنیت ملی دارای صبغه فرهنگی-اجتماعی است و وجود، ایجاد، تداوم و تحکیم این مؤلفه‌ها، تأمین‌کننده و ضامن امنیت ملی پایدار و فراگیر ارزیابی می‌شود» (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

امنیت فرهنگی یکی از ملزومات سیاستگذاری امنیتی کشورها است و در این مسیر، راهکارهای تحقق و اتخاذ روشهای مناسب برای تحقق امنیت فرهنگی، خطیر و مهم به شمار می‌رود و لذا مسئولان باید سعی کنند تا روشهای مناسب را برای تهدیدزدایی فرهنگی برگزینند؛ به عبارتی، «روش مناسب تحقق امنیت فرهنگی کدام است؟» یکی از سؤالات مهمی است که پیش روی بازیگران سیاسی و دولتها قرار دارد. نظریه‌پردازان سیاسی و امنیتی سعی دارند جواب مناسبی برای این سؤال بیابند. در این میان، بررسی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و شخصیتی که توانستند انقلاب اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آورند، می‌تواند به تبیین روشهای مناسب تحقق امنیت فرهنگی کمک کند؛ به همین دلیل این مقاله به بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) در خصوص روشهای تحقق امنیت فرهنگی می‌پردازد.

۲. سؤال تحقیق

روشهای تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره) کدام است؟

۳. روش تحقیق

این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی بیانات و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در صحیفه امام می‌پردازد و در این مسیر، روشهای تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره) استخراج می‌شود.

بررسی مبانی و مفاهیم

۲-۱. مفهوم امنیت

در عین حال باید توجه کرد که «امنیت» از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که تعریف واحدی از آن بسادگی میسر نیست. امنیت در لغت به معنای «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، تشویش، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن و حائل» است (نویدینا، ۱۳۸۸: ۲۷). امنیت در زبان عربی مقابل «خوف» و به معنای اطمینان و در اصطلاح به معنای طمأنینه و آرامشی است که ترس و نگرانی را در حوزه فردی، اجتماعی و در همه زمینه‌های توسعه مادی و معنوی از انسان دور می‌کند (عطارزاده، ۱۳۸۶: ۷۵). از لحاظ مفهومی، امنیت را می‌توان وضعیتی دانست که کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله خارجی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکنند و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را دنبال کنند (آدمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷). «لیپمن»^۱ درباره امنیت چنین می‌نگارد؛ «وقتی یک ملت دارای امنیت است که در صورت پرویز از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آنها به پیش ببرد» (Lippman, 1973: 150). در عین حال، امنیت را می‌توان وجود فضایی توصیف کرد که عاری از تهدید و خشونت است و فرصتهای تعالی و رشد مادی و معنوی در آن وجود دارد و افراد نوع انسان از دغدغه آسیب دیدن جسم و روان خویش رها باشند.

۳-۲. فرهنگ

فرهنگ از جمله واژگانی است که به دلیل فراوانی و تکثر نگرش و رویکردهای معطوف به آن تعاریف زیادی دارد. هر کس با توجه به نگرش خود به موضوع، تعریف خاصی ارائه کرده است. از این رو، به منظور رفع این آشفتگی در مفهوم به برخی از تعاریف اشاره می‌شود. فرهنگ، مجموعه سازمان یافته‌ای از هنجارها، ارزشها و قواعد است.

«ادوارد تایلر»^۲ معتقد است: «فرهنگ، مجموعه دانشها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هر گونه توانایی و عادت دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه، به دست

1- W.Lippman
2- Edward Taylor

آید. برخی دیگر از فرهنگ شناسان و تمدن شناسان، دو واژه فرهنگ و تمدن را یکی تلقی می‌کنند، در حالی که برخی دیگر، این دو را جدا می‌کنند. آنچه از مفهوم فرهنگ مدنظر است، تعریف خاصی از فرهنگ است که شامل بخش نرم افزاری تمدن می‌شود که مجموعه دانشها، اعتقادات، ارزشها، هنجارها، طرز تلقی‌ها، آداب و رسوم است که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه توسط انسان اکتساب می‌شود به دست می‌آید» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸). «ماگارت مید»^۱، فرهنگ را «مجموعه‌ای از رفتارهای آموختنی، باورها، عادات و سنتها می‌داند که مشترک میان گروهی از افراد است و به گونه‌ای متوالی توسط دیگران که وارد آن جامعه می‌شوند آموخته و به کار گرفته می‌شود» (زهره‌ای، ۱۳۸۹: ۱۹).

به هر روی، فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از ارزشها، آموزه‌های دینی و آرمانها توصیف کرد که نمود عینی آن را می‌توان در جامعه مشاهده نمود؛ به طور مثال، فرهنگ اسلامی و ارزشی خود را در نوع رفتار و منش موجود در جامعه اسلامی نشان می‌دهد؛ به عبارتی دیگر، فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، ارزشها و پندارها دانست که در رسومات، زبان و میراث بشری خود را نمایان می‌سازد.

۳-۳. امنیت فرهنگی

با توجه به رخدادهای جهانی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...، لزوم توجه به مسئله امنیت فرهنگی از مهمترین کارها است. موضوع امنیت فرهنگی در مطالعات امنیتی از زمانی آغاز شد که این حوزه از مطالعات، محدود شدن تفاسیر امنیتی در چارچوب امنیت نظامی را برناتافت و متفکران معاصر با رویکردی موسع در مطالعات امنیتی، سایر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و... را به مؤلفه‌های امنیتی افزودند (زمانی و شریفی، ۱۳۸۹: ۱۱۰ و ۱۰۹).

امنیت فرهنگی به معنی دیدگاهی توانایی حکومتها در «حفظ و دفاع از ارزشها» (حاجیان، ۱۳۹۱: ۱۳۶) است. از منظری دیگر، صیانت از ارزشها، افکار، هویت و به طور کلی فرهنگ خاص هر جامعه را امنیت فرهنگی می‌گویند به گونه‌ای که این شاکله تشکیل دهنده

1- Margaret Mead

ساختار فرهنگی ملی یک کشور در داخل سیستم دولت-ملت و متمایزکننده ملت هر کشور از کشورهای دیگر است (حسین زاده، ۱۳۸۹: ۱).

امنیت فرهنگی مهمترین و نامحسوس ترین بعد امنیت ملی است و تهدیدات فرهنگی هر کشور از پیچیده ترین گونه های تهدید علیه امنیت ملی آن کشور است. امنیت فرهنگی در ذیل موضوع امنیتی ملی کشورها قرار دارد و از مؤلفه های اصلی آن به شمار می رود. تأکید بر عناصر فرهنگی و ارزشی امنیت ملی کشورها با تعاریف جدید عرضه شده از امنیت ملی هم تناسب دارد. با این رویکرد می توان امنیت فرهنگی را شریطی دانست که طی آن «هر ملت بتواند ضمن حفظ هویت فرهنگی خویش و بدون برخورد با موانع بشری، مسیر تکاملی خود را پیماید» (نائینی، ۱۳۸۵: ۱۶ و ۱۵). به هر روی، تعریف مورد نظر نگارنده در مورد امنیت فرهنگی حفظ الگوهای دینی، فرهنگی - ارزشی بومی و هویت های فرهنگی مختلف در سطح جامعه است به گونه ای که سنتها، عرف ملی، ارزشها و تمام اصول فرهنگی حاکم بر جامعه حفظ و صیانت، و تهدیدات فرهنگی در ابعاد داخلی و خارجی مدیریت شوند.

۴. فرهنگ و امنیت در منظومه فکری امام خمینی (ره)

۴-۱. امنیت از دید امام خمینی (ره)

بیانات و تقریرات امام خمینی (ره) درباره مسائل مرتبط با امنیت، برخاسته از آموزه های اسلامی است و ایشان معتقدند که اگر از اسلام پیروی شود، آزادی، سعادت و در نهایت امنیت به دست می آید و ناامنی ها از جامعه دور می گردد (قربی، ۱۳۹۲: ۶۸).

با بررسی بیانات امام خمینی (ره) امنیت را می توان در مؤلفه هایی همچون حفظ آزادی و استقلال (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۱۳)، صیانت از جان و عفت (صحیفه امام، ج ۱: ۶۳۶)، آرامش بلاد و هلاک دشمن (صحیفه امام، ج ۲: ۱۲۶)، آسایش کامل (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۲)، شرایط آرام داخلی (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۲۷)، خنثی نمودن توطئه ها (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۳۶)، حفظ نوامیس، اموال و شخصیت (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۳۶)، اطمینان به ثمرات و انفس (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۵۴)، صلح و آشتی در جامعه (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۰۵)، حس عدم وجود خوف و ایجاد حالت اطمینان (صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۳)، صحت و رفاهیت (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۷۴)، در امان بودن مردم (امام

خمینی، ۱۳۷۵: ۷۳) و غیره مشاهده کرد.

بنابراین در جمع‌بندی می‌توان از مفهوم امنیت در اندیشه امام این گونه برداشت کرد. امنیت، نبودن تهدیدات در عرصه داخلی و مرزهای جغرافیایی است به گونه‌ای که عرصه ملی از وضع آرامی برخوردار باشد و شهروندان ضمن بهره‌مندی از آزادی، استقلال، آرامش، حفظ شخصیت، رفاه و سلامت در جامعه با در امان بودن از توطئه‌ها، مشکلات و حیل‌های دشمن از حس اطمینان و عدو وجود خوف برخوردار باشند و اطمینان از ثمرات و انفس در کنار آرامش بلاد در حداعلی تحقق یابد. در عین حال، ملت از تهدیدات خارجی و عوامل داخلی تشنج‌زا برکنار باشند و موقعیت ایمن و آرام برای تعالی و رستگاری مادی و روحانی آنها فراهم گردد.

۲-۴. فرهنگ از دید امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) فرهنگ را امری تلقی می‌کنند که کارکردی دوگانه دارد؛ به عبارتی دیگر فرهنگ مبدأ تمامی خوشبختی‌ها است و از سوی دیگر می‌تواند منشأ بدبختی‌های ملت باشد: «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوانهایی که تربیت می‌شوند به این تربیتهای فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند» (صحیفه امام، ج ۳: ۳۰۶).

ایشان تأکید دارند که فرهنگ‌های منحط باید تحول یابند و با عاری‌سازی عوامل منحرف‌کننده از فرهنگ، آن را به سوی استقلال، انسانی بودن و سالم بودن سوق داد: «این هم یک مطلبی است که در فرهنگ بسیار مهم است و بالاخره باید فرهنگ متحول بشود به یک فرهنگ سالم؛ به یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی» (صحیفه امام، ج ۶: ۳۹۶).

با توجه به اهمیت فرهنگ در اسلام و آموزه‌های پیامبران، امام راحل نیز بر اهمیت فرهنگ تأکید ویژه‌ای داشتند و به همین دلیل بر ضرورت «تحول فرهنگی» اصرار دارند؛ زیرا ایشان فرهنگ را به مثابه مؤسسه‌ای در نظر می‌گرفتند که عظمت و تباهی هر ملت را تعیین می‌کند: «بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود؛ برای اینکه بزرگترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد. برنامه‌های فرهنگی تحول لازم

دارد، فرهنگ باید متحول بشود» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۷۴).

با بررسی آرای امام خمینی (ره) و مذاقه در باب مجموعه تقریرات و سخنرانیهای ایشان درباره فرهنگ، می‌توان به این نتیجه دست یافت که ایشان از فرهنگ برداشتی مکتبی و ارزشی دارند و می‌توان فرهنگ را در آرا و اندیشه ایشان به دو دسته سلبی و ایجابی تقسیم کرد. ایشان فرهنگ اسلامی را به مثابه هادی و راهنمای بشریت معرفی، و در نقطه مقابل از فرهنگ منحط غربی یاد می‌کنند که در نقطه مقابل فرهنگ ارزشمدار اسلامی قرار دارد و راه شقاوت را به انسانها آموزش می‌دهد. به همین دلیل، ایشان تأکید داشتند که فرهنگ ما باید فرهنگ اسلامی و الهی باشد؛ زیرا که اسلام مساوی با یک فرهنگ مترقی است و همراهی با فرهنگ اسلامی از دید امام خمینی، رهایی از سلطه استعمار را به ارمغان می‌آورد و در این خصوص می‌فرماید: «به سوی فرهنگ اسلام بازگردند و این آیین را به کار گیرند؛ زیرا که اسلام فرهنگی است مترقی. و امیدوارم که همه در خط اسلام باشند تا از سلطه استعمار بیرون بیایند» (صحیفه امام، ج ۸: ۳۵۸).

۳-۴. امنیت فرهنگی از دید امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) با تأکید بر اینکه فرهنگ در موجودیت و حیات هر جامعه‌ای نقش اساسی و محوری دارد و اصلاح فرهنگ در رأس همه اصلاحات به شمار می‌آید از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی را برقراری فرهنگ استقلالی در جامعه توسط دانشگاه مستقل و حوزه می‌دانستند. برقراری نظم و امنیت فرهنگی بر مبنای استقلال فکری و قطع وابستگی فرهنگی و جایگزین کردن فرهنگ مستقل اسلامی - ایرانی از وظایف دولت اسلامی است. با توجه به عنایت خاص و ویژه‌ای که در گفتار و کلمات امام (ره) نسبت به مقوله فرهنگ و استقلال فرهنگی به چشم می‌خورد، چنین استفاده می‌شود که امنیت فرهنگی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به عبارت دیگر اگر امنیت فرهنگی باشد، امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی هم به وجود می‌آید. دولت موظف است مقدمات و بسترهای لازم را برای رشد و تعالی فرهنگ جامعه فراهم سازد و طبق قانون اساسی ابزار و امکانات مورد نیاز مردم را از تحصیلات ابتدایی گرفته تا آموزش عالی مهیا سازد. امروزه انسجام فرهنگی را یکی از منابع تأمین کننده امنیت داخلی می‌دانند.

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ^۱ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکانپذیر است.

از مجموعه بیانات و پیامهای امام در مقوله فرهنگ و امنیت می‌توان استفاده کرد که «راه رسیدن به استقلال فرهنگی یکی پایان دادن به فرهنگ بیگانه و دیگری بازگشت به اصالت خویش و هویت اسلامی است. خود باختگی در مقابل فرهنگ غرب و بیگانه شدن از خویش خویش باعث تزلزل فرهنگی و اخلاقی خواهد شد و امنیت و ثبات فرهنگی جامعه را به خطر می‌افکند» (سالار، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۱۲).

از آنجایی که امام خمینی (ره) برای فرهنگ ارزش و اهمیت زیادی برخوردار هستند، تأمین امنیت و صیانت از این بخش برای ایشان ضروری می‌نماید و ایشان، بارها و به صورت مؤکد بر حمایت فرهنگی، استقلال فرهنگی، تحول فرهنگی و غیره تأکید داشته‌اند و چاره اساسی ملت‌های مسلمان و دولت‌های شرقی را در گرو «حفظ فرهنگ و امنیت فرهنگی» می‌دانند: «چاره، و یا مقدمه اساسی آن است که ملت‌های مسلمان و دولت‌ها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۳۹۵).

امام خمینی (ره) در این زمینه به ملت‌ها توصیه می‌کند که؛ «باید روی پای خودشان بایستند و شدیداً با فرهنگ صادراتی مبارزه کنند» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۳۹۶) و این امر، با تکیه بر «فرهنگ

۱- در اندیشه امام خمینی (ره) استقلال فرهنگی الزاماً به معنای امنیت فرهنگی نیست؛ اما یکی از لوازم و بسترهای تحقق امنیت فرهنگی در اندیشه ایشان، استقلال فرهنگی است که ایشان بارها بر استقلال در حوزه فرهنگ تأکید داشتند و استقلال فرهنگی را در رأس اصلاح‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهند.

بومی» و انفصال از «فرهنگ غیر» به دست می‌آید. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«ما باید بفهمیم این را که ما خودمان فرهنگ داریم؛ یک فرهنگ غنی داریم و فرهنگمان از خارج بهتر است و ما باید کوشش کنیم به اینکه بنای بر این الآن بگذاریم، همه بنای بر این بگذاریم که خودمان را از غیر منفصل کنیم؛ مستقل کنیم» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۱۸۰).

امام راحل بر راهبرد «اصلاح فرهنگی» و «استقلال فرهنگی» به مثابه راه حل نهایی امنیت زایی فرهنگی می‌نگرند و راه برونرفت کشورهای مستضعف از دامهای استعمارگران را در گزینه اصلاح و استقلال در مقولات فرهنگی می‌بینند و می‌فرمایند:

«ملت عزیز ایران و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دامهای شیطنت‌آمیز قدرتهای بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند» (صحیفه امام، ج ۱۵، ۴۴۷).

با این تفاسیر، مذاقه در اندیشه‌های فرهنگی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که ایشان ضمن اهمیت به فرهنگ بومی بر امنیت زایی فرهنگ تأکید داشتند و همواره صیانت از هویت ارزشی - بومی و فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی را مدنظر داشتند؛ به عبارتی، امنیت فرهنگی از دید امام خمینی را می‌توان حفظ الگوهای فرهنگی نظیر زبان، سنت و آداب مختلف و صیانت از فرهنگهای متعالی حاکم بر جامعه تعریف کرد.

۵. امام خمینی (ره) و روشهای تحقق امنیت فرهنگی

اگر به منظومه فکری امام راحل و سیره عملی ایشان بنگریم، متوجه می‌شویم که دستیابی به امنیت فرهنگی، تک بعدی و ساده نیست و برای اینکه به صیانت و حفاظت فرهنگی دست یابند در مرحله اول به شناخت فرهنگ بومی و فرهنگ ارزشی می‌پردازند. در مرحله دوم، به شناسایی فرهنگ غیر می‌پردازند و در فرایندی مهار شده و تدریجی، هشدار فرهنگی می‌دهند و ملت را از آسیبهای فرهنگی آگاه می‌کنند و در نهایت، بعد از شناخت تهدیدهای فرهنگی، راهبردهای فرهنگی خویش را عرضه می‌کنند.

۵-۱. روش معرفتی، آگاهی و شناخت فرهنگ بومی-ارزشی به مثابه قدم اول تحقق امنیت فرهنگی

قدم اول برای تأمین امنیت فرهنگی، شناخت و باور داشتن به اهمیت فرهنگ است؛ به عبارتی دیگر، توجه نداشتن به فرهنگ و کم اهمیت دانستن آن بر راهبردهای امنیتی تأثیر می‌گذارد و حتی امکان دارد متولیان فرهنگی و مسئولان نظام سیاسی را نسبت به امنیت فرهنگی بی‌اعتنا سازد. بنمایه امنیت فرهنگی در اندیشه امام خمینی (ره) اهمیت یافتن فرهنگ در منظومه فکری ایشان است، همان‌گونه که در کلام و بیانات ایشان بارها نمود یافته است:

«یک ملتی احتیاج به فرهنگ دارد. ملت با فرهنگش زندگانی سیاسی می‌تواند بکند» (صحیفه امام، ج ۴: ۱۳۴). ایشان در جایی دیگر، فرهنگ را به مثابه «کارخانه آدم‌سازی» در نظر می‌گیرند: «و همیشه از فرهنگ، این اشخاص بزرگ قیام می‌کنند. اشخاصی که ملتها را می‌توانند نجات بدهند و کشور را می‌توانند آباد کنند و دنیا و آخرت ملت را می‌توانند تعمیر کنند فرهنگها هستند؛ پس فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۲۷)؛ بنابراین، امام اولین راه تحقق امنیت فرهنگی را در «شناخت فرهنگ خودی و بومی»^۱ می‌داند و آن را سرلوحه استقلال، آزادی و خوداتکایی می‌داند و در این خصوص می‌فرماید:

«باید اگر ما بخواهیم استقلال پیدا کنیم، آزادی پیدا کنیم، مملکت خودمان را خودمان اداره کنیم، باید خودمان را پیدا کنیم، گم کردیم ما خودمان را، باید پیدا بکنیم خودمان را، باید از این غریزدگی بیرون برویم. خیال نکنیم همه چیز آنجاست و ما هیچ نداریم؛ خیر، ما همه چیز داریم و فرهنگمان فرهنگ غنی است. باید پیدایش کنیم این فرهنگ را. خوب، بالاخره هر کاری مبدئی لازم دارد، ابتدایی لازم دارد؛ الآن ابتدا این است که ما باید برویم دنبال اینکه همه چیز از خود ما باشد» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۳۸۷).

ایشان علاوه بر اینکه بر شناخت فرهنگ اسلامی تأکید دارند، معتقدند که باید فرهنگ را به دیگران آموخت تا ذهنیت جامعه اسلامی مهیا و آماده استقلال فرهنگی شود: «و فرهنگ مترقی

۱- باید توجه کرد که تأکید امام در برخی مواقع بر روی فرهنگ بومی به معنای نادیده انگاشتن فرهنگ متعالی و اسلام ناب محمدی نیست بلکه در ذیل آن قرار می‌گیرد و اشارات امام خمینی (ره) به فرهنگ بومی و ملی، نوعی واکنش در برابر فرهنگهای مهاجم نظیر فرهنگ غربی است.

اسلام را - که الهام از وحی الهی می‌گیرد - بشناسند و بشناسانند» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۳۹۵) امام (ره) اصلاح در سایر کارها را به شناخت فرهنگ خودی منوط می‌داند و بیان می‌کنند؛ «تا این ملت به خود نیاید و فرهنگ خودش را پیدا نکند و توجه به اینکه فرهنگی دارد و فرهنگ غنی دارد، نمی‌شود اصلاح بشود» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۵).

اهمیت شناخت فرهنگ خودی و ارزشی به حدی است که امام خمینی (ره) معلمان، دانشگاهیان و متولیان تربیتی جامعه را موظف به این می‌داند که سعی کنند جوانان را با فرهنگ اسلامی خویش آگاه سازند؛ زیرا پایه‌های تعهد به مصالح فرهنگی کشور پایه ریزی می‌شود. امام در این خصوص می‌فرماید:

«اکنون بر معلمان متعهد و مسئول دبستانی و دبیرستانی است تا با کوشش خود جوانانی را تحویل دانشگاه‌ها دهند که با آگاهی از انحرافات گذشته دانشگاه بر فرهنگ غنی و مستقل اسلامی ایرانی تکیه کنند و بر اساتید متعهد است تا با باز شدن دانشگاه‌ها در صورت مشاهده انحراف و گرایش جوانان به یکی از دو قطب قدرت و مکر، آنان را به توطئه‌ها و شیطنتها آگاه کنند و جوانانی متعهد نسبت به مصالح کشور و آگاه به اهداف اسلام تحویل جامعه دهند و مطمئن باشند که با این خدمت، استقلال و آزادی کامل میهن عزیزشان تضمین خواهد شد» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۴۵).

۵-۲. روش شناختی انتقادی، شناخت فرهنگ غیر بومی و متعارض به مثابه

بدیل فرهنگ اسلامی - ایرانی

روش دوم در مسیر تحقق امنیت فرهنگی، شناخت فرهنگهای معارض و معاند است که به ما بینش و آگاهی لازم را در خصوص راهبردسازی و پدافند غیرعامل می‌دهد؛ به همین دلیل در بیانات، سخنرانیها و تقریرات خویش به طور دائم از فرهنگهای منحط و غیر بومی صحبت به میان می‌آورند و مردم را نسبت به آسییها و ضررهای آن آگاه می‌کردند؛ به عنوان مثال، ایشان می‌فرمایند:

«تردیدی نیست که جهانخواران برای به دست آوردن مقاصد شوم خود و تحت ستم کشیدن مستضعفان جهان راهی بهتر از هجوم به فرهنگ و ادب کشورهای ضعیف ندارد؛ زیرا با تربیت

غربی یا شرقی معلم و استاد است که دبستانها و دبیرستانها، محلهایی می‌شوند مجهز برای تربیت غربی یا شرقی جوانهایی که دولتمردان و دست اندر کاران آتیه کشورهایند و با این گونه تربیت است که جوانان با گرایش به یکی از دو قطب قدرت، راه را برای مستکبرین جهان در به دام کشیدن کشورهای مستضعف به صورتی شایسته و بدون زحمت و دستیازی به سلاحهای نظامی زنگزده باز می‌نمایند» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۴۶).

شناخت رقیب و مهاجم برای مقابله و جلوگیری از اهداف ترسیم شده آن بسیار حائز اهمیت است. امام خمینی (ره) به همین دلیل، مردم را به شناخت فرهنگهای رقیب و منحنط تشویق، و از فرهنگ غربی با عنوان «ام الامراض» یاد می‌کنند:

«آنچه می‌توان گفت ام الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سالهای بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده‌اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای استعمارزده حاصل نمی‌شود. باید کوشش کنید مفاسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملتها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده، به جای آن فرهنگ اسلامی- انسانی را جایگزین کنید» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۴۶). فرهنگ غربی از دید امام خمینی (ره) به این دلیل ام الامراض است که بسترهای فساد روحی- روانی و اضمحلال جامعه اسلامی را به همراه دارد و از میزان مقاومت در برابر تهدیدات فرهنگی می‌کاهد و پذیرش فرهنگ منحنط وارداتی را آسان می‌سازد. البته تمامی فرهنگ غرب از دیدگاه امام خمینی (ره) منحنط نیست بلکه از دیدگاه ایشان، غرب دارای جنبه‌های فرهنگی مثبت هم اما آن چیزی که به کشورهای شرقی و اسلامی تحمیل می‌شود، فرهنگی بیمار و منحنط است و دستاوردی به جز رخوت و سستی در جوامع اسلامی نخواهد داشت. به همین دلیل، امام خمینی (ره) فرهنگ وارداتی را با تعبیرهایی همچون «فرهنگ استعماری» و «فرهنگ انگلی» یاد می‌کنند و آن را از لحاظ تخریبی، قویتر از سلاحهای سخت افزاری می‌دانند:

«فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ فرهنگ استعماری و انگلی است و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از این اسلحه این قلدرها بدتر است» (صحیفه امام، ج ۳: ۳۰۶).

فرهنگ وارداتی و استعماری که برای تخریب هویت اصیل و فرهنگ بومی ملت‌های شرقی

برنامه ریزی شده است از دید امام (ره) یکی از سلاحهای مخرب غرب علیه ممالک اسلامی و دینمدار است و به مثابه یک «انگل» به تخریب لایه‌های فرهنگی جامعه می‌پردازد و به تهی شدن جامعه از ارزشها می‌انجامد. ایشان فرهنگ استعماری غرب را منحنط، فساد آمیز، مصرفی و برخلاف شأن انسانی و اخلاقی معرفی می‌کنند و معتقدند که «فرهنگ پوسیده غرب و شرق» مانع تعالی انسانها هستند و جامعه ایرانی باید به سوی «فرهنگ الهی» گام بردارد:

«شما امروز از جهت فرهنگی بر فرهنگهای پوسیده شرق و غرب و فرهنگ منحنط عصر شاهنشاهی، که جوانان عزیز ما را فوج فوج به فساد می‌کشید و دانشگاه‌های ما را در خدمت غرب و احیاناً شرق به پیش می‌برد، پشت پا زده‌اید. شما امروز فرهنگهایی را که ملت ما را یک ملت وابسته مصرفی و خدمتگزار قدرتها بار آورده بود و فحشا و فساد و اعتیاد را گسترشی روز افزون داده بود و از انسانیت و اخلاق می‌رفت کناره‌گیری کند در زیر پای خود خرد کرده، و شرافت انسانی و تقوا و شهامت و شجاعت و صبر و سلحشوری و مروت و تعاون در بر و تقوا و توجه به مصالح ملت و کشور را جایگزین آن نموده‌اید و شما امروز سرافراز برای پیشرفت فرهنگ الهی به پیش می‌روید» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۳۳۷).

۳-۵. روش کنشی گفتاری، هشدار و آگاهی بخشی به مردم در زمینه تهدیدات فرهنگی

امام خمینی (ره) بعد از اینکه به ماهیت فرهنگ غنی و پیشرفته اسلامی - ایرانی تأکید کرده‌اند بر استغنا و استقلال این فرهنگ تکیه می‌کنند و در مقابل، شناخت فرهنگ منحنط غربی را برای شناخت بهتر فرهنگ معاند غرب لازم و ضروری می‌دانند. ایشان پس از اینکه به فواید، آثار و ابعاد فرهنگ بومی - ارزشی اشاره می‌کنند و به روشن‌سازی چالشها و آسیبهای فرهنگ غربی می‌پردازند، هشدار عمومی به ملت می‌دهند؛ یعنی ایشان پس از بحثهای ماهیت شناسانه و شناخت شناسانه فرهنگی بومی - ارزشی به قدم و مرحله کنشی و واکنشی می‌رسند. از دید دیگر، ایشان در شرایط مختلف مردم را نسبت به تهدیدات فرهنگی آگاهی و هشدار عمومی می‌دادند و در عین حال مسئولان را به اطلاع رسانی و هشدار فرامرزی موظف می‌کردند:

«باید کوشش کنید مفسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت‌ها برسانید» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۴۶).

هرچند امام خمینی (ره) به عمل و اقدام راهبردی در برابر معضلات و تهدیدات فرهنگی قائل هستند در مرحله قبل از آن بر تذکر و هشدار تکیه دارند:

«مسائل اصلیه را توضیح دادم و راه را نشان دادم و مفسد این عقیده فاسده را که علوم دینیّه بلکه فرهنگ جدید نیز بیفایده است تذکر داده‌ام و شاید اگر مجالی پیدا شد ضمن پیامی به حوزه قم تفصیل دهم» (صحیفه امام، ج ۳: ۳۲۹).

امام تأکید دارند که باید مردم را از مسائل فرهنگی آگاه کرد و برای این امر از تماس‌های بین‌المللی افراد با خارجی‌ها، روزنامه و رسانه‌های دیداری و شنیداری بهره‌گیری کرد:

«فرهنگ ما را عقب دارد می‌برد و نمی‌گذارد جوانهای ما رشد بکنند و مراکز فساد این قلدرها درست کرده‌اند برای اینکه جوانهای ما را فاسد بکنند؛ اینها همه نقشه‌هایی است که کشیده‌اند و دیگران کشیدند و اینها پیاده می‌کنند برای اینکه این اجزای مملکت ما را نسبت به امور اجتماعی لا ابالی کنند... آن قدر از اطلاعات که شماها دارید در دسترس رفقای خارجیتان بگذارید» (صحیفه امام، ج ۴: ۱۱۷).

یکی از راهکارهای اساسی امام در خصوص آگاه‌سازی مردم از فرهنگ غنی و بومی خویش در مقابل فرهنگ‌های غیر، طرح پرسش‌واره‌های دقیق در خصوص فرهنگ است و این عملکرد مردم را به سوی تبارشناسی و مباحث تاریخی فرهنگ سوق می‌دهد و آثار تمدنی فرهنگ از این طریق بر مردم آشکار می‌شود:

«خوب، می‌آییم سراغ فرهنگ [آیا] یک فرهنگ مستقل ما داریم؟ فرهنگ که دخالت غیر در او نباشد؟ یک دانشگاه‌هایی که مستقل باشد و خودش فکر کند؟ تحت فرمان خود رئیس‌های دانشگاه باشد؟ ما همچو چیزی داریم؟ ما همچو فرهنگی خواب دیدیم؟ از آن وقتی که فرهنگ [پدید آمده است] از اول مشروطه تا حالا، [آیا] ما یک فرهنگی که فرهنگ صحیحی باشد داشتیم یا یک فرهنگ وابسته بوده؟ یعنی فرهنگی بوده است که دیگران برای ما درست کردند» (صحیفه امام، ج ۵: ۵۱).

۴-۵. روش تبیینی^۱، روشن‌سازی مختصات و تبیین ابعاد تهدیدات فرهنگی

امام بعد از اینکه مردم را نسبت به فرهنگ خودی و غیر خودی آگاه می‌سازند و هشدارهای متعدد خویش را درباره فرهنگ مهاجم می‌دهند در مرحله جدید به تبیین و بررسی شاخصها و ابعاد تهدیدات فرهنگی می‌پردازند. «مقاصد شوم استعمار، همزمان با اشاعه فحشا در اعماق قصبات و دهات در جریان است. مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند. با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می‌کنند» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۲۴). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «باید ملت ایران عقب مانده، و فرهنگ قرآن و اسلام مهجور، و قوانین نقض شود و فساد و فحشا تا اعماق این ماتمسرا که اسمش ایران است کشیده شود تا استعمار نو با خیال راحت به چپاولگری خود ادامه دهد» (صحیفه امام، ج ۲: ۴۵۰). به هر حال، برخی از شاخصها و ابعاد تهدید فرهنگی از دید امام خمینی (ره) در این قالب قابل بازشناسی است:

۴-۱. **تخریب اسلام و نهاد روحانیت:** امام معتقدند که نظام سلطه با بهره‌گیری از مطالعات میدانی و پژوهشی خویش، دو سد محکم را در مقابل فرهنگ مهاجم و صادراتی خویش می‌بیند و در همین راستا سعی کرد تا این دو نهاد مهم را تخریب و مضمحل کند و از این طریق زمینه را برای سستی در مقاومت فراهم سازد و از این طریق، ذخایر و ثروتهای ملی را به یغما ببرد: «جهت دیگری که هست جهت فرهنگ جوامع بوده است. این جوامع [را] دیده‌اند، مطالعه کردند که اگر فرهنگ اینها یک فرهنگ مستقل صحیح باشد از توی اینها یک جمعیت‌های سیاسی مستقل و امین پیدا می‌شود و این هم برای آنها مضر است. بناء عَلَیْهِ در جانب اسلام و روحانیت، دو چیز را سد می‌دیدند: یکی اصل اسلام را، و یکی هم روحانیت را و در جانب دیگر باز احتمال این را که اگر این فرهنگ یک فرهنگ مستقلی باشد، در بین اینها تربیت می‌شوند یک جوانهایی و یک رجالی [که] اگر اینها تربیت بشوند، لا محاله مقدرات مملکت دست اینها می‌افتد، باز هم مانع

۱- روشهایی که امام خمینی (ره) برای تحقق امنیت فرهنگی در نظر می‌گیرند، تبیینی است؛ اما مراد از روش تبیینی، تبیین مختصات تهدیدات فرهنگی است به ایشان به این طریق، مردم و مسئولان را نسبت به ابعاد و زوایای تهدیدات فرهنگی آگاه می‌ساختند.

می‌شوند از اینکه اینها برسند به آمال خودشان که آن آمال زیرزمینهاست. روی زمینی هم هست؛ ولی مهمش آنهایی است که در زیر زمین دارند. درصدد برآمدند که... این سه تا مطلب را و این سه تا سد را بشکنند» (صحیفه امام، ج ۳: ۵۰۶).

۵-۴-۲. قبضه فرهنگی و بسترسازی برای پذیرش فرهنگ استعماری: یکی دیگر

از ابعاد تهدید فرهنگی که برای امنیت در بستر فرهنگ جامعه، چالش‌زا است، قبضه فرهنگی است که زمینه وابستگی فرهنگی را فراهم می‌آورد و در نقطه مقابل، پذیرش فرهنگ استعماری را آسان می‌سازد و برنامه‌های بومی و ارزشی هر فرهنگ را تضعیف و دگرگون می‌سازد که توسط متولیان فرهنگی و علمای دین تدوین می‌شود:

«فرهنگ ما هم که برایش خطر قائل بودند، فرهنگ ما را هم در تحت قبضه گرفتند. یک فرهنگ استعماری درست کردند؛ نه یک فرهنگ استقلالی. الآن هم یک فرهنگ مستقلی که برنامه‌اش را خود عقلائی قوم ریخته باشند، نیست» (صحیفه امام، ج ۴: ۲۲).

۵-۴-۳. فرهنگ دیکته شده و جلوگیری از رشد جامعه: ایشان معتقدند که

هژمونی‌های بین‌المللی سعی می‌کنند فرهنگ خویش را به ملت‌های آزاده دیکته و تحمیل کنند و به همین دلیل، رشد جوامع به تأخیر می‌افتد و استعمارگران نیز همین درصد کم رشد و تعالی همه جانبه را مدنظر دارند:

«فرهنگی است که درست کردند آنها برای ما؛ دیکته کردند. نمی‌گذارند جوانهای ما تحصیل بکنند. آنها نمی‌گذارند که ما رشد بکنیم. آنها دستشان را بردارند، ایرانی کمتر از اینها نیست. ایرانی هم رشد می‌کند، اما شما نمی‌گذارید که ما رشد کنیم؛ برای اینکه اگر ما رشد کنیم منافع شما در خطر است. شما می‌خواهید همه شرق را بخورید و همه شرق را عقب نگه دارید. عقب نگه داشتن برای خوردن مال شرق است. و شما شرق را دارید عقب نگه می‌دارید که هر چه دارند، بخورید. هر جا یک مأموری گذاشتند سر آن» (صحیفه امام، ج ۴: ۹۱).

۵-۴-۴. ترویج فساد در راستای بی‌اعتناسازی جامعه نسبت به مسائل داخلی

یکی از شگردهای معاندان نظام‌های اسلامی از دید امام خمینی (ره)، ترویج فساد و فحشا در سطح جامعه است به گونه‌ای که با این روش، بی‌اعتنایی افراد جامعه نسبت به سرنوشت کشور و مسائل داخلی جامعه را فراهم سازند؛ زیرا وجود جامعه‌ی بی‌اعتنایی و خواستار تفریحات جانبی به فکر

تهاجم دشمنان نیست و نظام سلطه براحتی می‌تواند به اهداف خویش دست یابد؛ زیرا افراد جامعه‌ای که دنبال تفریحات ناسالم و عیاشی هستند، یارای مقاومت و ایستادگی در برابر دشمنان در جبهه‌های فرهنگی را ندارند که نیازمند دغدغه و فکر سالم است. از آنجا که دشمنان دریافته‌اند که مقاومت فرهنگی و ایستادگی در برابر فرهنگ مهاجم توسط افراد هوشیار و آگاه به مسائل فرهنگی صورت می‌گیرد، ایشان تلاش می‌کنند تا این افراد را با حاشیه راندن از میدان «رزم فرهنگی» دور سازند:

«فرهنگ ما را عقب دارد می‌برد و نمی‌گذارد جوانهای ما رشد بکنند و مراکز فساد این قدرها درست کرده‌اند برای اینکه جوانهای ما را فاسد بکنند؛ اینها همه نقشه‌هایی است که کشیده‌اند و دیگران کشیدند و اینها پیاده می‌کنند برای اینکه این اجزای مملکت ما را نسبت به امور اجتماعی لا ابالی کنند؛ یعنی کاری به دین نداشته باشند، یک کاباره‌ای باشد برویم توی آن یک چند ساعتی [عیشی] بکنیم! یک مرکز فسادی باشد برویم آنجا یک عیش مختصری بکنیم!» (صحیفه امام، ج ۴: ۱۱۷).

۴-۵. پروژه جداسازی فرهنگ از آموزه‌های اسلامی: یکی از راهبردهای غرب

برای رویارویی با ایستارهای ارزشی مقاوم جوامع ارزشمدار و اسلامی، اجرای طرح فرهنگ منهای اسلام است زیرا غربیان دریافته‌اند که فرهنگ اسلامی، مقاوم و ایستاده در برابر هجمه‌های ناهمسو است و برای اینکه فرهنگ کشورهای اسلامی را تحت قبضه خویش درآورند باید سعی کنند اسلام را از آن جدا کنند و حتی به تخریب چهره مثبت آن در بین مردم پردازند:

«فرهنگ اسلامی ما را نمی‌گذارند که رشد خودش را بکند؛ و با تبلیغات، مردم را می‌خواهند جدا کنند از اسلام و از علمای اسلام؛ برای اینکه اسلام و علمای اسلام را مخالف با مقاصد خودشان می‌دانند» (صحیفه امام، ج ۴: ۱۹۵).

امام خمینی (ره) پروژه تخریب فرهنگ اسلامی را به مثابه «حمله‌ای پنهانی و پس پرده» می‌داند که ماهیتی خطرناک و پیچیده دارد و آن را از تهدیدات سخت افزاری خطرناکتر می‌داند: «حمله بدتر از آن، حمله پس پرده است که نگذارند یک فرهنگی رشد بکند؛ عقب‌نگه دارند، نگذارند آن طوری که باید تربیت کند... فرهنگ را غیر اسلامی بار بیاورند» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۳۰).

۴-۶. **جلوگیری از تولید شخصیت‌های تحصیلکرده و متفکر:** امام معتقد هستند که دشمنان برای پیشبرد اهداف خودشان سعی می‌کنند از پرورش و تولید شخصیت‌های تحصیلکرده و متفکر در سطح جامعه و دانشگاه‌ها جلوگیری کنند و مترصد هستند تا افرادی وابسته و با شخصیت منفی را بازپروری نمایند زیرا از این طریق، بهره‌برداری از طرح‌های عملیاتی آنها آسان، و قسمت‌های مختلف جامعه آماج از قبیل فرهنگ، اقتصاد و غیره نیز تخریب می‌شود: «مانع هستند از اینکه تحصیل بکنند. الآن داد همه معلمها و شاگردها و همه درآمده که ما می‌خواهیم مستقل باشیم. ما می‌خواهیم خودمان اداره بکنیم کار خودمان را؛ نمی‌گذارید شما که ما زندگی بکنیم. فرهنگ را مأمورند که عقب نگه دارند؛ نگذارند انسان پیدا بشود، نگذارند یک آدم‌های تحصیل کرده صحیح مستقل پیدا بشود که مستقل فکر کند. می‌خواهند نگذارند که نسلی پیدا بشود که مستقل فکر بکند و زمام مملکت را آنها بخواهند دست بگیرند؛ باید حتماً یک اشخاصی باشند انگل، مربوط به سیاست امریکا و انگلستان و شوروی تا اینکه اینها بتوانند استفاده‌های خودشان را بکنند!» (صحیفه امام، ج ۴: ۲۰۸).

۴-۷. **مضمحل کردن نیروی انسانی مولد و تقویت‌کننده فرهنگ:** غرب می‌داند که نیروی انسانی متخصص و متعهد یکی از ابزارهای مقاومت فرهنگی و کیان بخش است و امام بارها نسبت به این امر هشدار داده‌اند که دولتهای غربی سعی دارند با محصولات و ترندهای فرهنگی خویش، قشر تحصیلکرده و متفکر را به حاشیه برانند و قدرت بازپروری و تقویت‌کنندگی آنها را در مسیر رشد و تعالی فرهنگی کشور خنثی کنند: «هر مملکتی به نیروی انسانی [بسته] است. اگر نیروی انسانی در کار نباشد، مملکت دیگر مملکت نیست. اینها نیروی انسانی را دارند از بین می‌برند. همه جا نیروی انسانی از بین رفته است و خشکیده تقریباً. پس ایشان اگر بروند استقلال فرهنگی از بین می‌رود!» (صحیفه امام، ج ۵: ۵۴).

۴-۸. **بسترسازی غرب زدگی:** یکی از کارهایی که از دیدگاه امام راحل برای سلطه بر ملت‌ها صورت می‌گیرد، شیوع و ترویج فرهنگ غرب است و به نوعی آحاد جامعه را دچار شیفتگی فرهنگی غیر و غرب زدگی می‌کند:

«استعمارگران برای اغراض شوم خود به دست عمال سیاسی خود قوانین خارجی و فرهنگ اجنبی را در بین مسلمانان رواج دادند و مردم را غریزه کردند» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۱).

ایشان معتقدند که غرب با زمینه چینی و برنامه‌های بلندمدت خویش، فرهنگ غرب را برای ما به مثابه یک آمال و آرزو قرار داد که ملت همه چیز خویش را در غرب جستجو می‌کنند. این غرب زدگی زمینه‌های وابستگی فکری و مغزی را فراهم می‌آورد و از این طریق، حصول اهداف تسهیل می‌گردد (صحیفه امام، ج ۱۲: ۴).

۴-۹. اسطوره‌سازی و تخریب چهره‌های بومی - ارزشی: یکی از شیوه‌های

غرب برای تضعیف نظام‌های سیاسی قوی، تخریب چهره‌های ارزشی و مفاخر ملی است؛ زیرا به این وسیله ملتها به مفاخر و شخصیت‌های پرداخته شده غرب سوق می‌یابند و داشته‌های فرهنگی خویش را از یاد می‌برند که در شخصیت‌های ملی - مذهبی نمود می‌یافت:

«آنها هر کاری بکنند یک کاری انجام می‌دهند که برای ما مفید نباشد یا مضر باشد... ما تمام مفاخر شرقی را کنار گذاشتیم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب. آن هم نه آنی که آنها دارند؛ آنی که به ما می‌دهند. اگر آنی بود که آنها داشتند، بسیار خوب، آنها هم در جهات طبیعی جلو هستند. اما آنی که به ما تحویل می‌دهند، آن مستشاری که می‌آید اینجا می‌خواهد فرض کنید فرهنگ ما را درست کند، این نمی‌خواهد برای ما فرهنگ درست کند؛ این می‌خواهد یک فرهنگ غربی برای ما درست کند که در خدمت غرب باشد و آن هم مستشاری که می‌آید نظامی را می‌خواهد درست کند آن هم نه یک نظامی می‌خواهد درست کند که در خدمت اسلام باشد، در خدمت مسلمین، در خدمت ملت باشد. آن می‌خواهد یک چیزی درست بکند که اگر همه چیز ما را هم بردند، یا مؤید باشد، یا کار نداشته باشد. هر چه از غرب برای ما می‌آید یا از شرق می‌آید که سوغات برای ما می‌آورند، آنهایی است که ما را تباه کرده است و می‌کند» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۲).

۴-۱۰. تأثیر فاسدکننده و تخریبی بر لوازم فرهنگی جامعه: امام در جستجوها

و رشادتهای آسیب شناسانه خویش به این نکته ظریف پی بردند که یکی از شگردهای غریبان برای فسادانگیزی و اضمحلال فرهنگی در جامعه ارزشی، منحرف کردن لوازم فرهنگی جامعه است؛ به عبارتی رسانه‌های دیداری و شنیداری که بیشترین تأثیر فرهنگی را در میان مصنوعات و ابزارهای فرهنگی دارند، مورد هجمه نرم دشمنان قرار می‌گیرند و از مسیر خویش دور می‌شوند و چنین امری در زمان رژیم پهلوی صورت گرفت:

«ملت عزیز در طول پنجاه سال سیاه اخیر گرفتار مجلات و روزنامه های تخریب کننده و فاسدکننده نسل جوان و از آنها بدتر سینماها و رادیو- تلویزیون بود که با برنامه های خود ملت را به حد وافر در آغوش غرب و غریزه ها غلتانید و ضررهای رسانه های گروهی از خرابیهای توپ و تانکها و سلاحهای مخرب بالاتر و بدتر است چه که ضررهای سلاحها گذراست و ضررهای فرهنگی باقی و به نسلهای بعد انتقال پیدا می کند» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۶۰).

۵-۶. روش پدافندی، عرضه راهبردهای کلیدی برای مدیریت تهدیدات فرهنگی

باید اذعان کرد که امام خمینی (ره) با رصد موشکافانه فعالیت های فرهنگی جبهه شرق و غرب، تهدیدات را شناسایی کردند و ضمن موضعگیری علیه آنها، مردم را آگاه ساختند و در نهایت به عرضه راهکار و پیشنهاد پرداختند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۵-۶-۱. **ترویج فرهنگ ارزشمند اسلامی:** امام معتقدند که در مرحله اول مقاومت فرهنگی و پایدارسازی امنیت در حوزه فرهنگ، باید فرهنگ اسلامی را در جامعه گسترش دهیم و علی الخصوص به جوانان در این فرایند اهمیت داده شود؛ زیرا جوانان از مخاطبان اصلی تهاجم فرهنگی غرب محسوب می شوند (صحیفه امام، ج ۳: ۲۱) به این دلیل است که امام خمینی (ره) بر تقویت و ترویج فرهنگ صحیح، حق و الهی تأکید دارند. البته منظور از فرهنگ صحیح در بیانات امام راحل، همان فرهنگ برخاسته از اسلام است:

«اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح باشد جوانهای ما صحیح بار می آیند. اگر فرهنگ، فرهنگ حق باشد، فرهنگ الهی باشد، فرهنگی باشد که برای منفعت اهل ملت، برای منفعت مسلمین باشد، این افرادی که می بینید که الآن سر کار هستند، اینها از آنها بیرون نمی آمد» (صحیفه امام، ج ۳: ۳۰۶).

۵-۶-۲. **پاکسازی جامعه از مظاهر ضدفرهنگی:** امام برای داشتن فرهنگی سالم و مفید بر پاکسازی جامعه از مظاهر فرهنگ منحط غربی تأکید، و بیان می کردند، باید تمامی مصنوعات و ابزارهای فرهنگی که از مسیر اسلامی و ارزشی خویش خارج شده اند و در مسیر مفسده گرایی گرویدند، باید پاکسازی شوند و تمامی بروز و نمودهای آن باید تطهیر گردد:

«یکی از درددهایشان این است که در قمارخانه‌ها را می‌بندند، این راست است. در مراکز فساد را می‌بندند. حکومت اسلامی نمی‌گذارد این کاباره‌ها که همه جوانهای ما را به بدبختی کشیده، نمی‌گذارد اینها باز باشد. اگر اینها را طرفدار هستند مردم بر آن، این روشنفکرها و این - عرض می‌کنم - متجددین با این مفسده‌ها موافقند؟ نه. حکومت اسلامی قمارخانه‌ها را می‌بندد درشان را و مراکز فساد و کاباره‌هایی که این فسادها در آن می‌شود، اینها را درش را می‌بندد. این فرم سینماها را تغییر می‌دهد؛ یعنی این سینماهایی که الآن جوانهای ما را دارند به فساد می‌کشند و به فحشا می‌کشند، اینها می‌گویند این فرم نباید باشد» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۲۷). بنابراین، امام راحل مردم را به قیامی همگانی برای تصفیه فرهنگی و جایگزینی فرهنگ اسلامی دعوت می‌کنند (صحیفه امام، ج ۴: ۵۰۷).

۳-۵-۶. تلاش برای استقلال فرهنگی و رهانیدن از فرهنگ‌های منحط و

فاسد: یکی از دستورالعمل‌های امام خمینی (ره) برای مقاومت و پایدارسازی فرهنگ، تلاش برای دست یافتن به استقلال فرهنگی است که در نقطه مقابل باید سعی کرد از فرهنگ منحط و فسادآور غرب روی برگرداند:

«اصلاح می‌کنیم و تمام چارچوبهای پوسیده و بی‌محتوایی را که در طول این پنجاه سال، مردم را به غریب‌زدگی کشانده است خراب می‌کنیم و حکومتی مبتنی بر عدل و انصاف نسبت به همه اقشار وطن می‌سازیم... خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله که شده است نجات می‌دهیم» (صحیفه امام، ج ۵: ۱۳۳).

امام خمینی (ره) ضمن اینکه پروژه استقلال فرهنگی را دشوار و زمان‌بر می‌دانند بر لزوم مشارکت و کمک همگانی ملت تأکید دارند:

«این فرهنگ را از حالت انگلی و استعماری درآوریم و به یک فرهنگ استقلالی بدل سازیم و به کمک همه اقشار اصلاح کنیم» (صحیفه امام، ج ۵: ۵۳۵).

۴-۵-۶. تقویت روحیه مقاومت فرهنگی و درونی‌سازی ایستادگی برابر

چپاولگری فرهنگی: بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند که روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر فرهنگهای معاند را باید از سالهای کودکی توسط نهادهای آموزشی و پرورشی تقویت کرد تا جامعه برای مبارزه با ابعاد مختلف چپاولگری غرب و متحدانش آماده شود:

«باید در سراسر ایران با پاکسازی آموزش و پرورش از آثار فرهنگ استعماری، محیطی به وجود آورید که اطفال ما را شیر بچگانی که همیشه پشت جبهه مقاومت علیه امریکا و صهیونیست و سایر چپاولگرهای شرق و غرب نشسته‌اند، تربیت کنید و مطمئن باشید که خمینی تا قطع ریشه‌های استعمار چپ و راست همسنگر شماسست و رسالت اسلامی هر فرد مسلمان تا مرگ ادامه دارد» (صحیفه امام، ج ۶: ۱۹۴).

۵-۵-۶. اصلاح امور فرهنگی توسط متولیان فرهنگی: امام راحل اعتقاد دارند همان‌گونه که برای کارهای مختلف به متخصص رجوع می‌کنیم در امور فرهنگی باید از متولیان و مسئولان فرهنگی بهره‌گیری کنیم؛ زیرا آنها با مباحث فرهنگ آشنایی بیشتری دارند و با امور رایج فرهنگی پیوند عمیقی دارند؛ پس امور فرهنگی و معضلات حوزه فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره) باید توسط اشخاص دخیل در فرهنگ صورت گیرد: «کسانی که در فرهنگ هستند باید فرهنگ را اصلاح بکنند» (صحیفه امام، ج ۷: ۳).

۶-۵-۶. بازگشت به هویت اصیل و بومی: امام برای ساخت ایرانی قدرتمند از همه جهات و رویارویی با تهدیدات پیش رو، همگان را به حفظ هویت اصیل توصیه می‌کردند و راه نجات کشور از دامنه تهدیدات را در هویت یابی و استقلال هویتی مردم، مسئولان و روشنفکران می‌دیدند:

«باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به امریکا و شوروی و انگلستان... روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کند. افسوس که هنوز عده‌ای از روشنفکران نمی‌توانند دست از غرب و یا شرق بکشند و این دو را سر مشق کارهای خود قرار داده‌اند. امیدواریم با تحول فرهنگ حاکم اسلامی، این گروه به خود مشغول و از مردم بریده به خود آیند و اصالت خویش را دریابند و از وابستگی نجات پیدا کنند» (صحیفه امام، ج ۹: ۲۵).

۷-۵-۶. اجزای صحیح تکالیف فرهنگی: امام بر این اعتقاد بودند که برای رویارویی با تهدیدات فرهنگی و وابستگی فکری-مغزی، باید مجریان و مسئولان، کار خویش را صحیح انجام دهند و در کار خویش کوتاهی و سهل‌انگاری نکنند به این دلیل که هرگونه تساهل در کارهای فرهنگی، زمینه‌های فریب خوردگی فرهنگی را فراهم می‌سازد:

«شما باید در فرهنگ که هستید، فرهنگ را خوب انجام بدهید. هر شخص وظیفه خودش را

در آن پستی که دارد خوب انجام بدهد و دو چشمی هم مواظب این باشد که کلاه غربی سرش نرود» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۳).

۶-۵-۸. استقامت و ایستادگی برای حفظ داشته‌های فرهنگی: امام راحل، همگان

را به ایستادگی و تحمل مشتقات موظف می‌کنند و رمز پیروزی در جبهه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در آمادگی و ایستادگی در برابر مشکلات می‌دانند:

«اگر بخواهید به همه مشکلات پیروز بشوید باید همه محکم بایستید در مقابل همه قدرتها. باید مهیا کنید خودتان را در مقابل همه مشکلات. باید ارزشهای انسانی را از اینجا به همه جا صادر کنید و استقلال خودتان را همه جور، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی، استقلال اجتماعی همه اینها را باید شما محکم نگاه دارید» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۴۱۱).

۶-۵-۹. پاسداشت مفاخر ملی و فرهنگی: امام معتقد است که باید از خواب مصنوعی

که غرب برای ملت‌های اسلامی ایجاد کرده بیدار شویم و به مفاخر ملی و فرهنگی خویش احساس تعلق نماییم و آنها را پاس بداریم و برای حل مشکلات به آنها به مثابه مرجع اساسی رجوع کنیم:

«باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً طبقه دانشمندان و متفکر و روشنفکر تحمیل شده است، برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه چیز از غرب [است] و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۷۹).

۶-۵-۱۰. تحول فرهنگی و بازپروری فرهنگ بومی: یکی از شیوه‌های رویارویی

با تهاجم فرهنگ غرب، تحول فرهنگی و بازسازی فرهنگ بومی - ارزشی است که امام راحل بارها به آن اشاره و تأکید می‌کردند تا فرهنگ را باید فرهنگی کاربردی بار بیاورند:

«برنامه‌های فرهنگی تحول لازم دارد. فرهنگ باید متحول بشود. این غیر از سایر ادارات است. فرهنگ، غیر جاهای دیگر است. بنا بر این، مشکلات زیاد است و در عین حال که من تشکر می‌کنم از اینکه شما برای مستمندان حاضرید اینکه هر جور خدمتی را بکنید و این هم ارزش دارد پیش خدا و خلق، لکن کار شما، کار اساسی شما، آن است که در فرهنگ است. این یک امر مادی است؛ یک فقر مادی است که البته ارزش دارد که کمک می‌کنید؛ ارزش هم، ارزش معنوی دارد این، ارزش اخلاقی دارد؛ لکن آن کار مهم شما آن کارهای معنوی است که باید فرهنگ را

یکجوری درست بکنید، فرهنگی را یکجوری بار بیاورید که برای ملت شما مفید باشد و این نمی‌شود جز که ایمان باشد» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۷۴).

۶-۵-۱۱. گزینش شیوه‌های صحیح فرهنگی و بهره‌گیری از همراهی مردم:

برای حل معضلات فرهنگی و شیخونهای فرهنگی باید سعی کرد بهترین شیوه‌ها را گزینش کرد و در عین حال، همراهی عموم ملت را به دست آورد؛ زیرا این کارها به صورت انفرادی کارهای اجرایی شدن نخواهد داشت و مشارکت عمومی را می‌طلبد و در کنار این مشارکت باید موازین و معیارهای اسلامی مورد نظر قرار بگیرد:

«باید راه و رسمی را انتخاب کرد که مورد موافقت و علاقه مجموع جامعه باشد و این جمهوری اسلامی است. اساس کار یک جمهوری اسلامی، تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت ما و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی، اصلاحات لازم را به عمل آورد. این اصلاحات با مشارکت کامل همه مردم خواهد بود» (صحیفه امام، ج ۵: ۱۵۵).

۶-۵-۱۲. همکاری دانشمندان و سایر اقشار فرهنگی جامعه در جهت مقاومت

فرهنگی: امام راحل به پیوند و ارتباط نهاد روحانیت با سایر اقشار جامعه اعتقاد عمیقی داشتند و این ارتباط دوسویه را عاملی برای پیروزی و رستگاری جامعه اسلامی می‌دانستند. در حوزه فرهنگ نیز ایشان تأکید داشتند که اقشار فرهنگی از قبیل نویسندگان، هنرمندان و غیره باید از روحانیت بهره گیرند:

«در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی در مقابل این توطئه‌های دامنه‌دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده است، نویسندگان متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کرده و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را - که برای همه قرون است - با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم (ص) و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۴۱).

۶-۵-۱۳. دفاع فرهنگی و بازسازی فرهنگ غنی اسلام: یکی از شیوه‌های

رویارویی با فرهنگ مهاجم، دفاع فرهنگی است؛ به عبارتی دیگر، دفاع از فرهنگ ناب اسلامی مدنظر است و باید تلاش کرد تا آموزه‌های فرهنگ غنی اسلام را بازپروری نمود و از این طریق،

میزان وابستگی به فرهنگهای وارداتی و غربی را کاهش داد و حتی قطع کرد:

«یعنی همه ما بی استثنا، هر کس قدرت دارد بی استثنا، دفاع بر او واجب شد، مهیا باشید از برای دفاع. و البته سنگر علم هم یک سنگر دفاعی است، دفاع از همه فرهنگ اسلام» (صحیفه امام، ج: ۲۰: ۹).

۶-۵-۱۴. کمک گرفتن از رسانه‌های گروهی و سرمایه‌های ملی: حفاظت از

فرهنگ، تک بعدی نیست و به همین دلیل سرمایه‌های ملی را باید به کار گرفت ولی در این میان، رسانه‌های گروهی از توان بسیار زیادی برخوردار هستند و حضور افراد شایسته در این نهادها می‌تواند به رشد فرهنگ صحیح و دفع فرهنگ‌های منحط کمک شایانی بکند:

«رسانه‌های گروهی بویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمت‌های گرانمایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاه‌هایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلمها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیشتر کار کنند و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته، و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند» (صحیفه امام، ج: ۱۹: ۱۶۰).

۶-۵-۱۵. توسعه و اصلاح مراکز آموزشی و پرورشی: رویارویی با فرهنگ غربی و

منحط نیازمند ریشه‌یابی و فهم موقعیت فرهنگی در بستر زمان است و یکی از مسائل مهم در این زمینه، دانشگاه‌ها، مدارس و نهادهای فرهنگی هستند که باید توسعه فرهنگی بیابند و مسائل فرهنگی وارداتی و وابستگی آنها به شرق و غرب نیز باید اصلاح شود؛ زیرا این مراکز از ابزارهای اصلی تقویت، بازسازی و پخش فرهنگ و ایستارهای بومی-ارزشی هستند:

«خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی-ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آن چنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق ریشه‌دار غرب مبارزه کرد و ما می‌دانیم که اگر با دقت ریشه‌یابی کنیم، آنچه بر ملت ما گذشته و اکنون می‌گذرد حتی جنگ تحمیلی،

سرچشمه از دانشگاه غربزده و متخصصان غیر متعهد و وابسته گرفته است. مع هذا، قشر متدین انقلابی اعم از اساتید متعهد و معلمان و طنخواه اسلامی و دانشجویان انقلابی موظفند با هوشیاری بدون غفلت از این مسئله مهم، به دانشگاه‌ها و مدارس و آنان که هنوز خواب رژیم سابق را می‌بینند و رویه‌های فرهنگ شرق را در سر می‌پروراند، اجازه ندهند که خارج از دروس موظف خود به صحبت‌های انحرافی بپردازند» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۱۱).

۶-۵-۱۶. دعوت به معنویات: امام راحل بر دعوت همگانی به سوی معنویت تأکید زیاد دارند و آن را در رأس کارها قرار می‌دهند به گونه‌ای که در این مسیر، باید کوشش و تلاش زیادی به عمل آید:

«یک مسئله که در رأس همه امور است، مسئله معنویات است. ما باید کوشش کنیم که معنویات را در بین این ملت عزیز و در بین مسلمین پیاده کنیم؛ مردم را دعوت به معنویات و دعوت به اخلاق اسلامی و آداب فرهنگ اسلامی کنیم» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۷۳).

۶-۵-۱۷. خدمتگزاری فرهنگی قوای سه گانه: امام راحل علاوه بر اینکه مردم و روشنفکران جامعه را متعهد و مسئول نسبت به تحولات فرهنگی جامعه می‌دانند، مجلس را نیز به اصلاح فرهنگی جامعه ملزم می‌دانند و تأکید دارند که مجلس و سایر قوا باید ضمن خودباوری فرهنگی و تعمیق آن در جامعه نسبت به اصلاح امور فرهنگی بکوشند:

«مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس از دیستان تا دانشگاه را جدی بگیرند و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۲۳).

ایشان در جایی دیگر، درباره سایر قوای مملکتی درباره صیانت فرهنگی می‌فرمایند: «بدون وقفه از فرصت استفاده نموده و کشور را به سوی بیشتر اسلامی شدن در تمام ابعاد آن، در تمام ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از قوای سه گانه که اساس نظام است تا حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها که اساس فرهنگ است و از قوای نظامی و انتظامی و قوای مسلحه دیگر که اساس امنیت هستند تا قشرهای بازاری و کشاورز و کارگر که هر یک رکنی مهم از ارکان اقتصاد کشورند، همت گماریم» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۱۹).

۶-۵-۱۸. لزوم برنامه ریزی صحیح و منطبق با موازین اسلامی: کار فرهنگی

نیازمند برنامه‌ریزی و صرف وقت زیاد است و امری نیست که بشود سریع آن را انجام داد بلکه ضمن داشتن برنامه اصولی، نیازمند اجرایی کردن برنامه‌های فرهنگی در فرایندهای متوالی و تدریجی است و در این مسیر باید سعه صدر و استواری داشت:

«مطمئن و استوار به کار خودتان ادامه دهید؛ هر روز برنامه هایتان را بیشتر و بهتر توسعه دهید و کوشش نمایید تا برنامه‌های اصولی و منطبق با موازین اسلام، ارائه نمایید و حیثیت ملت و مذهب خودتان را حفظ کنید. باید برنامه‌ها بر اساس بینش و فرهنگ اسلام تنظیم شود» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۴۴).

۶-۵-۱۹. بهره‌گیری از تبلیغات فرهنگی برخاسته از اسلام: در موقعیت فعلی،

تخریب فرهنگی با ابزارهای تبلیغی گسترده صورت می‌گیرد که در این میان، رسانه‌های صوتی - تصویری از نقش قابل توجهی برخوردار هستند و راه رویارویی با آنها، بهره‌گیری از همین ابزار تبلیغاتی است. امام خمینی (ره) معتقدند که باید در برابر هجمه تبلیغی غرب، ما نیز به تبلیغ فرهنگ اسلامی خویش پردازیم و با بهره‌گیری از رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی، شباهت فرهنگی و تبلیغات مسموم و منفی غرب را پاسخ دهیم:

«تبلیغات مسئله‌ای است پر اهمیت و حساس؛ یعنی دنیا با تبلیغات حرکت می‌کند. آن قدری که دشمنان ما از حربه تبلیغات استفاده می‌کنند از طریق دیگری نمی‌کنند. و ما هم باید به مسئله تبلیغات بسیار اهمیت دهیم و از همه چیزهایی که هست، بیشتر به آن توجه کنیم. باید تبلیغات فرهنگی ما خصوصاً در رادیو و تلویزیون بیشتر باشد؛ چرا که الآن وضع طوری شده است که آن روستایی که در صحرا مشغول امر کشاورزی می‌باشد، هم به رادیو گوش می‌دهد و در بعضی نقاط تلویزیون هم هست. آن قدری که رادیو و تلویزیون می‌تواند به مردم خدمت کند، روزنامه‌ها و دستگاه‌های دیگر نمی‌توانند خدمت کنند. شما می‌دانید که تبلیغات خارجی علیه ما زیاد است؛ شما باید با تبلیغ فرهنگ اسلامی به دروغ‌پراکنیهای صدهای خارجی پاسخ دهید» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۴۳).

۶-۵-۲۰. اعتماد آفرینی عمومی نسبت به فرهنگ اسلامی: رسانه‌های غربی و

تبلیغات منفی آنها در منفی نشان دادن فرهنگ اسلامی سعی دارند و در این مسیر تلاش دارند که

فرهنگ اسلامی را منحط، فاقد کارایی، مانع خوشبختی و سعادت بشریت نشان دهند. برای همین لازم است که با یک عملکردی جهادگونه، فرهنگ اسلامی را به مردم بشناسیم و در ملت نسبت به فرهنگ اسلامی اعتماد ایجاد کنیم و به همگان نشان دهیم که فرهنگ اسلامی توان والایی برای رسیدن بشر به سعادت، خوشبختی، لذتهای مادی و معنوی به صورت توأمان و غیره دارد و در نقطه مقابل، فرهنگ غرب برای بشریت، انحطاط و بدبختی به بار می‌آورد: «به فرهنگ غنی ایران اسلامی تکیه کنید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲).

نتیجه‌گیری

امام خمینی (ره) فرهنگ را امری تلقی می‌کنند که کارکردی دوگانه دارد؛ به عبارتی دیگر فرهنگ مبدأ تمامی خوشبختی‌ها است و از سوی دیگر می‌تواند منشأ بدبختی‌های ملت باشد. ایشان تأکید دارند که فرهنگهای منحط باید تحول یابند و با عاری‌سازی عوامل منحرف‌کننده از فرهنگ، آن را به سوی استقلال، انسانی بودن و سالم بودن سوق داد. ملیت و ملت از دیدگاه امام خمینی (ره) در بستر فرهنگ شکل می‌یابد و به همین دلیل، استقلال همه جانبه کشورها به استقلال در عرصه فرهنگ منوط است. امام خمینی (ره) اعتقاد دارند که رواج فرهنگ صحیح و سالم در جامعه، ضمانتی برای پایداری نظام سیاسی است و از همین روی، استکبار نیز مترصد آسیب رساندن به نهادهای فرهنگی نظامهای اسلامی است؛ زیرا در این رهگذر می‌توانند به اهداف خویش مبنی بر چپاول ملتهای آزاده دست یابند و به همین دلیل بر ضرورت تحول فرهنگی تأکید داشتند و پایداری‌سازی امنیت فرهنگی را خواستار هستند.

روشهای تحقق امنیت فرهنگی در سیره و اندیشه ایشان شامل پنج مرحله می‌شود: شناخت و آگاهی از فرهنگ بومی و ارزشی، شناخت فرهنگ غیر و وارداتی منحرف، هشدار فرهنگی و آگاهی دهی به مردم در خصوص تهدیدات فرهنگی، شناخت تهدیدات فرهنگی و ابعاد آن و ارائه راهبردهایی برای تحقق امنیت فرهنگی و مقاومت فرهنگی. ایشان تهدیدات فرهنگی را در مواردی همچون تخریب اسلام و نهاد روحانیت، قبضه فرهنگی و بسترسازی برای پذیرش فرهنگ استعماری، فرهنگ دیکته شده و جلوگیری از رشد جامعه، ترویج فساد در راستای بی‌اعتناسازی جامعه نسبت به مسائل داخلی، پروژه جداسازی فرهنگ از آموزه‌های اسلامی، جلوگیری از تولید شخصیت‌های تحصیلکرده و متفکر، مضمحل کردن نیروی انسانی مولد و تقویت‌کننده فرهنگ،

بسترسازی غرب زدگی، اسطوره‌سازی و تخریب چهره‌های بومی - ارزشی و تأثیر فاسدکننده و تخریبی بر لوازم فرهنگی جامعه و غیره می‌دیدند و راهبردهای زیر را عرضه می‌کنند:

اعتمادآفرینی عمومی نسبت به فرهنگ اسلامی، بهره‌گیری از تبلیغات فرهنگی برخاسته از اسلام، لزوم برنامه ریزی صحیح و منطبق با موازین اسلامی، خدمتگزاری فرهنگی قوای سه‌گانه، دعوت به معنویات، آموزش صحیح فرهنگ اسلامی به شهروندان جامعه، توسعه و اصلاح مراکز آموزشی و پرورشی، استعانت از رسانه‌های گروهی و سرمایه‌های ملی، دفاع فرهنگی و بازسازی فرهنگ غنی اسلام، همکاری دانشمندان و سایر اقدار فرهنگی جامعه در جهت مقاومت فرهنگی، گزینش شیوه‌های صحیح فرهنگی و بهره‌گیری از همراهی مردم، تحول فرهنگی و بازپروری فرهنگ بومی، پاسداشت مفاخر ملی و فرهنگی، استقامت و ایستادگی برای حفظ داشته‌های فرهنگی، اجرای صحیح تکالیف فرهنگی، بازگشت به هویت اصیل و بومی، اصلاح امور فرهنگی توسط متولیان فرهنگی، تقویت روحیه مقاومت فرهنگی و درونی‌سازی ایستادگی برابر چپاولگری فرهنگی، تلاش برای استقلال فرهنگی و رهانیدن از فرهنگهای منحط و فاسد، پاکسازی جامعه از مظاهر ضدفرهنگی و ترویج فرهنگ ارزشمند اسلامی.

فهرست منابع

۱. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۶). ولایت فقیه. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
۲. _____ (۱۳۷۷). صحیفه امام. دوره ۲۲ جلدی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
۳. آدمی، علی و دیگران (۱۳۹۰). «الزامات گذار به امنیت ملی پایدار». فصلنامه دانش سیاسی. س هفتم. ش ۱۴ (پائیز و زمستان).
۴. آشنا، حسام‌الدین و محمدصادق اسمعیلی (۱۳۸۸). «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی». فصلنامه راهبرد فرهنگ. ش ۵ (بهار).
۵. اعرابی، سیدمحمد و نبی‌اله دهقان (۱۳۸۹). «روش‌شناسی مناسب اجرای استراتژیک امنیت ملی». فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی. سال پنجم، ش ۳ (پائیز).
۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: نشر طلوع.
۸. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). «هویت اسلامی-ایرانی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی». فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، ش ۵ (بهار).
۱۰. حسین‌زاده، مصطفی (۱۳۸۹). «جهانی شدن و امنیت فرهنگی». روزنامه رسالت. ۳۱ خردادماه.
۱۱. خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی». فصلنامه علوم سیاسی. ش ۴۱ (بهار).
۱۲. درویشی، فرهاد (۱۳۸۹). «ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال سیزدهم، ش ۴۹ (پاییز).

۱۳. زمانی، علی اکبر و جمال شریفی (۱۳۸۶). «درآمدی بر رابطه امنیت و فرهنگ و آثار جهانی شدن در امنیت فرهنگی جهان سوم». ماهنامه نگارش راهبردی. ش ۸۱ و ۸۲ (مرداد و شهریور).
۱۴. زهره‌ای، محمدعلی (۱۳۸۹). «بررسی مفهوم فرهنگ»، روزنامه رسالت. سال بیست و پنجم، ۱۳ دی ماه، ش ۷۱۷۰.
۱۵. سالار، محمد (۱۳۸۲). «مؤلفه‌های امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)». فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی. ش ۶ (تابستان).
۱۶. شیهان، مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین الملل. ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۷. عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۶). «امنیت مشارکت مدار دینی». فصلنامه امنیت عمومی. سال دوم، ش اول و دوم (بهار و تابستان).
۱۸. قری، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲). بازاندیشی امنیت انسانی از منظر اندیشه سیاسی امام خمینی (س). پایان‌نامه کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام. تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
۱۹. کریمی، علی و اکبر بابایی (۱۳۹۰). امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۰. محمدی، محمد مهدی (۱۳۸۹). «قدرت نرم و امنیت فرهنگی». فصلنامه سیاست راهبردی. سال دوم، ش ۵ و ۶ (زمستان و بهار).
۲۱. نائینی، علی محمد (۱۳۸۵). «امنیت فرهنگی، نظریه‌ها و رویکردها». فصلنامه عملیات روانی. سال چهارم، ش ۱۴ (پاییز و زمستان)، به نقل از پرتال عملیات روانی و جنگ نرم.
۲۲. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
23. -Lippman, Walter (1973). **Cold war**, U. S. A, Joammed Colter Books.